



کمای بخش خصوصی

♦ محمدامین عبدالله نژاد
کارشناس آمار مرکز مطالعات اتاق کرمان



شاخص چه در سطح بین‌المللی و مقایسه با دیگر کشورها و چه در سطح ملی برای استان کرمان در مقایسه با سایر استان‌ها شرایط مساعدی ندارد و بیشتر دوره‌ها وضعیت استان کرمان از میانگین کشور نامساعدتر بوده است، تا این‌که در بهار ۹۹، استان کرمان در جایگاه سه استان آخر از نظر محیط کسب و کار کشور قرار گرفت؛ به‌طوری‌که استان ما تنه به تنه استان تهران در جایگاه ۲۹ کشور فرار دارد. از طرفی فعالان اقتصادی از عملکرد دستگاه‌های اجرایی در فضای کسب و کار راضی نیستند؛ غیرقابل‌پیش‌بینی بودن قیمت‌ها، برداشت سلیقه‌ای کارشناسان از قوانین و مقررات، مالیات‌های غیرمنصفانه و قوانین دست و پاگیر، سرمایه‌گذاران را به زانو درآورده است. علت این افول بسیار چشمگیر را می‌توان در سه عامل دید: یک) شیوع ویروس کرونا، دو) غیرقابل‌پیش‌بینی بودن قیمت‌ها، سه) تصمیم‌گیری‌های خلق‌الساعه.

کشتی آسیب‌دیده اقتصاد ایران در خطر غرق شدن است و مسئولان ما از عملکرد عالی دستگاه‌های خود می‌گویند. محیط کسب و کار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مورد رصد سرمایه‌گذاران برای راه‌اندازی یک کسب و کار در کشور و استان‌ها است. این شاخص به بررسی مجموعه عواملی می‌پردازد که از بیرون فعالیت‌های اقتصادی بر عملکرد آن تأثیر دارند و کاملاً خارج از کنترل مدیر بنگاه اقتصادی است. به بیان ساده‌تر می‌توان گفت شاخص محیط کسب و کار، روشی برای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی از نگاه فعالان اقتصادی است. وضعیت این

شیوع ویروس کرونا، اقتصاد جهان را با مشکلات جدی مواجه کرده؛ به طوری که اکثر کسب‌وکارهای کوچک را تعطیل نموده و تنها در طی مدت سه ماه اقتصاد جهان ۳ درصد کوچک‌تر شده است و پیش‌بینی می‌شود این مقدار به ۶ درصد نیز برسد. اقتصاد بخش خصوصی ایران نیز به شدت در حال افول است. کسب‌وکارها هر چه سعی کرده‌اند از مکافات تحریم، رکود، تورم و دلار ۱۵ هزار تومانی و... جان سالم به در برند، در این بحران، حس می‌کنند که در یک باتلاق در حال فرو رفتن هستند. نبود مشتری، کمبود مواد اولیه، بسته شدن مرزها، ترس و اضطراب نیروی کار از واگیری ویروس کرونا و ده‌ها دلیل دیگر، باعث شده است در این شرایط بحرانی سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی کاملاً گیج شده و در کما به سر برده و برای سرپا نگه داشتن کسب‌وکار خود و تأمین نیروی کار از هیچ تلاشی دریغ نمایند.

هم‌زمان با بحران ویروس کرونا در فروردین‌ماه، جهش یک‌شبه قیمت ارز به ۲۵ هزار تومان نیز مزید بر علت شد؛ به طوری که در روزهایی که تمام بازارهای کشور در حالت نیمه تعطیل بودند، جهش یک‌شبه نرخ ارز، ارزش سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی را دقیقاً در زمانی که کسب‌وکارها بالاجبار تعطیل شده بودند، نصف کرد و بنگاه‌های اقتصادی را در منجلاب بحران مالی فرو برد. نازه این اول ماجرا است؛ تصمیم‌گیری‌های خلق‌الساعه مسئولان کشور و استان در اسفند و فروردین‌ماه، حکم تیر خلاص برای فعالان اقتصادی داشت. مرزها بسته شدند، مواد اولیه در بازار پیدا نمی‌شد، حمل‌ونقل کشور دچار بحران شد، کسب‌وکارها بالاجبار تعطیل شدند و دستور قرنطینه سراسری کشور صادر شد. همه این اتفاقات دست در دست همدیگر داد تا بخش خصوصی کشور به حالت کما برود. البته دولت با ارائه برنامه‌های حمایتی خود سعی نمود جلوی ورشکستی بنگاه‌ها و بیکاری کارگران را حتی‌الامکان بگیرد، ولی نوش دارو بعد از مرگ سهراب چه فایده! آن‌هم نوش داروی چینی!

در راستای اجرای فصلی طرح پایش محیط کسب‌وکار، هر فصل با چندین کارآفرین و کارفرما در ارتباط هستیم، در طول مدت فعالیت خود، فصل بهاری شبیه بهار ۹۹ تجربه نکرده‌ام و استیصال، نگرانی و استرسی که در ذهن، روان و رفتار مدیران کسب‌وکارها می‌بینم، وصف‌ناشدنی است. به هر حال همه ما سوار کشتی اقتصاد ایران هستیم و کشتی‌مان سوراخ شده است. از سال‌ها قبل از چند جا سوراخ شده بود و نشستی داشت، اما تاکنون وصله و تعمیرش می‌کردیم و می‌گذشتیم؛ اما اکنون سوراخش

بزرگ‌تر و مهیب‌تر است و نگرانی ما بیشتر شده است. کشتی اقتصاد و جامعه ما اکنون، مثل کشتی تایتانیک شده، قبلاً با مشکلات و بحران‌های قبلی، آن‌ها که در طبقات پایین بودند و مشکلات مالی بیشتری داشتند و قشر آسیب‌پذیر بودند، بیشتر وضعیت را حس می‌کردند و درد می‌کشیدند، اما حالا آب به طبقات وسطی رسیده است، آن‌هایی که کسب‌وکارهای متوسط دارند، حس غرق شدن دارند و مشکل را لمس می‌کنند و گرفتارند! البته تصور می‌کنم آن‌ها که طبقات بالای کشتی هستند، بعضی‌هایشان هنوز چیز زیادی حس نکرده‌اند. آن‌ها می‌دانند که کشتی مشکل دارد و سوراخ شده، اما هنوز فاصله زیادی تا تهدید وضعیت خود می‌بینند.

با تمام توصیفات و شرح‌حالی که در بالا اشاره شد، لیکن معتقدم این کشتی، عاقبت تایتانیک را نخواهد داشت. این سوراخ کشتی هم بالاخره تعمیر خواهد شد. کشتی ایران، جامعه ایرانی و اقتصاد ایرانی، ترمیم خواهد شد و گرچه با شرایطی جدید و وضعیتی متفاوت، اما دوباره روی آب خواهد آمد و به سمت جلو حرکت خواهد کرد. جامعه، فرهنگ و اقتصاد در هر شکلی، خودش را بهینه می‌کند و از نو می‌سازد، گرچه ما ضربه‌های مهلکی دریافت کرده‌ایم، گرچه اقتصاد ما ظرف چند ماه آینده در بخش خصوصی، زبان‌های چند هزار میلیارد تومانی خواهد دید، گرچه سرمایه اجتماعی بیش‌ازپیش افول خواهد کرد، اما این بحران نیز به هر شکل می‌گذرد و کسب‌وکارها نیز باید بعد از آن با نوزایی و بازسازی به حیات خود ادامه دهند. در شرایط کنونی فضای کسب‌وکار کل کشور حال خوبی ندارد و این موضوع در استان کرمان بسیار نامساعدتر است. با توجه به تجربه اجرای ۵ سال طرح پایش محیط کسب‌وکار، می‌توان عمده مشکلات فضای کسب‌وکار استان را در آموزش نادرست کارشناسان و مأموران دولتی و سرمایه‌گذاران، عدم وجود دستگاه نظارتی قدرتمند و همچنین عدم توجه به رضایت ارباب‌رجوع دانست. چنانچه بتوان هدف اصلی بهبود محیط کسب‌وکار را این ۴ معضل اصلی قرار داد، می‌توان تا حد زیادی جایگاه محیط کسب‌وکار استان را از قعر جدول نجات داد و رضایت نسبی در ذهن فعالان اقتصادی از مساعد بودن محیط کسب‌وکار استان را ایجاد کرد.

در پایان امید است که هر چه زودتر با لطف خدا، کمک کارکنان خدمت‌به‌داشتی و درمانی و همچنین همیاری مردم و مسئولان، بحران‌های گریبان‌گیر فعالان اقتصادی کشور برطرف شود و بخش خصوصی با جانی تازه بتواند به ایفای نقش شایسته خود در اقتصاد کشور بپردازد. به امید آن روز. ♦♦

تصمیم‌گیری‌های
خلق‌الساعه
مسئولان کشور و
استان در اسفند و
فروردین‌ماه، حکم
تیر خلاص برای
فعالان اقتصادی
داشت. مرزها
بسته شدند،
مواد اولیه در بازار
پیدا نمی‌شد،
حمل‌ونقل کشور
دچار بحران
شد، کسب‌وکارها
بالاجبار تعطیل
شدند و دستور
قرنطینه سراسری
کشور صادر شد.
همه این اتفاقات
دست در دست
همدیگر داد تا
بخش خصوصی
کشور به حالت کما
برود. البته دولت
با ارائه برنامه‌های
حمایتی خود
سعی نمود جلوی
ورشکستی بنگاه‌ها
و بیکاری کارگران
راحتی‌الامکان
بگیرد، ولی نوش
دارو بعد از مرگ
سهراب چه فایده!